

## سخن با محمد و مولا



علی صحرایی

یا علی! واژه‌ها با تو تفسیر می‌شوند، و این تویی که به همه واژگان معنا می‌بخشی.

یا علی! وقتی از «کعبه» سخن گفته می‌شود، تو در ذهن آیی و ناگزیر در یادها خطوط می‌کشد: «علی، مولود کعبه» و «کعبه زادگاه علی». یا علی! دوستان و دشمنان هر کدام با نام تو برخورد می‌لرزند، چون تو جامع اضدادی.

یا علی! کعبه به خود می‌بالد که مولودی چون تو از پرده اندرون آن زاده شد و بس. و این افتخار در فراسوی مباهاتی است که بر کعبه متظاهر است.

یا علی! پهلوان درگود زورخانه با نام تو پنجه در پنجه حریف می‌اندازد و از تو مدد می‌جوید و قهرمان در میدان نبرد تا «یا علی» نگفته است به نماز نمی‌ایستد و زاهدان تا نام تو را بر زبان جاری نکرده‌اند سر بر سجاده حضرت دوست نسایند.

یا علی! قیام قائمان از قیومیت نام تو است، و

قعود قاعدان از قائمیت تو امنیت می‌یابد. یا علی! جاذبه تو چنان است که «دست بریده» افتخار می‌کند که مولای عدالت، «انگشت رذالت» از دستش بریده است.<sup>(۱)</sup>

یا علی! عظمت تو چنان است که دشمنانت بر برادر مرده خود نمی‌گیرند و فریاد بر می‌آورد که: ای قوم! اگر کسی غیر از علی قاتل برادرم بود، قتل برادر مایه ننگ و عار قبیله‌ام می‌شد و من بر برادرم گریه نمی‌کنم چون به دست شخص کریمی کشته شد.<sup>(۲)</sup>

یا علی! از خود گذشتگی و ایثار در برابر تو خضوع و سر تسلیم فرود می‌آورد آنکه که در بستر برترین مخلوقات و اشرف آدمیان آرمیدی و هر نوع خطری از دژخیم زمان را بر جان خود هموار ساختی.<sup>(۳)</sup>

یا علی! هرگاه از فتوت و جوانمردی سخن رانده می‌شود، نام تو زبینه زبان است آنگاه که گفتی «بنده حقم نه تسلیم هوا» چون شیر غران نفس را لگام عدم زده بودی و توسن سرکش نفس فقط از تو فرمان می‌گرفت.<sup>(۴)</sup>

یا علی! تو همه «ایمانی» آنگاه که روز احزاب در مقابل همه «کفر» قرار گرفتی و واژه «ایمان» به خود مفتخر است که همان «علی» است.<sup>(۵)</sup>

یا علی! «دُلْدُل»<sup>(۶)</sup> سر از پا نمی‌شناخت آنکه که سواری چون تو رعد آسا بر توسن وجودش سوار می‌شد، و «ذوالفقار»<sup>(۷)</sup> بر خود مباهات می‌کرد که در دست عدالت

یا علی! تو معدن سخا و کرم وجودی  
آنکه که «الذین یقیمون الصلوة و یؤتون  
الزکوة و هم راکعون» را تفسیر عملی کرده و  
نگین پادشاهی را هدیه گدای مسکین  
نمودی. (۱۱)

یا علی! تو تندیس «مظلومیتی» در  
«لاله زار شهادت» و «سرغزار صفایی» در  
شوره زار سنگدلی و شقاوت.

یا علی! نوح نبی آنکه که «بسم الله  
مجریها و مرسیها» (۱۲) زمزمه می کرد،  
«کشتی» از تو فرمان می گرفت و «توفان» از تو  
می گریخت.

یا علی! اگر ابراهیم خلیل «سبوح،  
قدوس» بر زبان جاری می کرد، دست در  
دامن تو آویخته بود و اگر «اسماعیل ذبیح» را  
به قربانگاه منا برد، از منای کربلای حسین تو  
آموخت.

یا علی! صبر ایوب پیامبر در برابر تو  
خاضع و سر تسلیم فرود می آورد.

یا علی! اگر یعقوب به خاطر یوسفش «وا  
اسفاها» (۱۳) سر می داد، پس تو در فراق  
مونس خود و امانت حبیب خدا - ام ابیها -  
چه کرده ای؟

یا علی! آن زمان که یوسف صدیق به چاه  
سقوط کرد، حبل المتینی چون تو دستاویزش  
بود و آنکه که به «عزیزی مصر» رسید حب تو  
موجب شد.

یا علی! «خضر نبی» آب حیات را در  
ظلمات از دست تو گرفت و با زمزم کوثر تو  
به مروه و عرفات صفا بخشید.



است.

یا علی! واژه درد از وجود تو معنا یافت،  
آنکه که سر بر چاه فرو بردی و از میان  
آدمیان کس نیافتی تا سفره دل در برابرش  
بگشایی. (۸)

یا علی! «صبر» را تو معنا بخشیدی آنکه  
که زهرای مرضیه را در برابر دیدگانت میان  
در و دیوار خستند و محسن نورسته ات را  
نشکفته پرپر کردند.

یا علی! تو همه علم و «دروازه علمی» (۹)  
آنکه که گفתי «سلونی قبل ان  
متفقدونی». (۱۰)



یا علی! اگر «آصف برخیا» تخت بلقیس از شرق به غرب بر یک چشم بر هم زدنی انتقال داد، از «علم من الكتاب» تو بود. (۱۴)

یا علی! در ظلمتکده بی‌دینی و جهل تویی مهتاب راه، و طوفان زده کشتی شکسته را، تویی فانوس دریا.

یا علی! بارها و بارها بالِ هماگونه‌ات را شکستند و دل پر مهر و عطوفت را ریش کردند ولی «آه» حسرت به دل ماند که از نهاد تو بر آید.

یا علی! کرانه گیتی سرخ رنگ از خون توست، آنکه که شمشیر «اشقاالاشقیا» فرق عدالت تو را شکافت و رخ خداگونه‌ات را به زهر جفا بیالود.

یا علی! هنوز هم یتیمان کوفه کاسه‌ای شیر در دست دارند تا زهر جفا را از خون مولا برون کنند.

یا علی! پرچم عدالت به دست تو افراشته شد و سرود امامت را تو زمزمه کردی و حدیث ولایت با نام تو معنا پذیرفت.

یا علی! تو خورشیدی؛ از پرتو انوار تو یازده اختر تابناک (احد عشر کوکبا) اشتقاق شدند و آسمان تاریک بشری را با نور تو متجلی ساختند. (۱۵)

یا علی! امروز بر زبان هر هم‌کیشی در این مرز و بوم و حتی فراسوی این دیار، نام تو زمزمه می‌شود و همواره یاد و نام تو در تمامی مراحل زندگی زینت بخش محفل علی دوستان است. پس یا علی لطفی مضاعف بنمای تا هم‌چنان که «و کلبهم باسط»

ذراعیه بالوصید» بر درگاه کریمانه‌ات زانو زده‌ایم، از خوان همیشه سبزه توشه برچینیم.

#### پی‌نوشت‌ها

۱- اشاره به سارقی است که علی‌علیه‌السلام به واسطه سرقت، دستش را قطع کرد و او نه تنها ناراحت نبود بلکه مفتخر بود که عشق علی‌علیه‌السلام در دلش افزون شده است. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۲۸۱

۲- اشاره به کشته شدن عمروبن عبدود در جنگ خندق به دست علی‌علیه‌السلام. بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۳۳  
۳- اشاره به لیلۃ المیت. شبی که حضرت علی‌علیه‌السلام در بستر پیامبر اکرم‌علیه‌السلام آرامید تا نقشه کفار باطل شود. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۳۰۳

۴- اشاره به کشته شدن عمروبن عبدود - نامدار عرب - و این‌که او به صورت حضرت علی‌علیه‌السلام آب دهان انداخت و علی‌علیه‌السلام پس از مکشی او را به هلاکت رساند. و مولوی این قصه را به صورتی نیکو به نظم در آورده است.

۵- حدیثی از پیامبر اکرم‌علیه‌السلام که در روز احزاب، وقتی علی‌علیه‌السلام مقابل عمروبن عبدود ایستاد فرمود: «برز الایمان کله الی الشریک کله» کنز القوائد، ص ۱۳۷

۶- نام مرکب علی‌علیه‌السلام  
۷- نام شمشیر علی‌علیه‌السلام

۸- اشاره به چاهی است نزدیک کوفه که علی‌علیه‌السلام شب‌ها درد دل‌هایش را به آن چاه می‌گفت.

۹- انا مدینه العلم و علی باب‌ها، من شهر علم، علی نیز دروازه آن است. پیامبر اکرم‌علیه‌السلام بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۲۰

۱۰- حدیثی از حضرت علی‌علیه‌السلام بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۲۵

۱۱- سوره مائده آیه ۵۵  
«برو ای گدای مسکین در خانه علی زن

که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را»  
شهریار

۱۲- سوره هود، آیه: ۴۱  
۱۳-

«یعقوب وار و اسفا همی زنم  
دیدار خوب یوسف کنعانم آرزوست»  
مولوی

۱۴- سوره نمل، آیه: ۴۰  
۱۵- سوره یوسف، آیه: ۴